

# خلاصه ای از برنامه رادیویی مجله تحقیقاتی همراه با گرگ آنتونی در برنامه ی رادیویی اصلاحیه اول

۷ آگوست ۲۰۱۴

گرگ چنین آغاز می کند که تونی آلامو از سال ۲۰۰۸ که بر اساس اتهام ناروای سوءاستفاده جنسی به ۱۷۵ سال حبس محکوم شده، در زندان است و اینکه چطور تونی در طی ۴۰ تا ۵۰ سال گذشته به ما حقیقت را درباره ی تأثیر واتیکان روی آزادی دینی و روش شیطان‌ی آن برای ورود به سیستم سیاسی ما می گفته است. او توضیح می دهد که چطور تونی با هزاران نفر در سراسر جهان ارتباط برقرار کرده و برایشان این داستان ضد واتیکان را تعریف کرده است و به این دلیل که مدارک و شواهدی احتمالی نشان می دهند که آنچه تونی می گوید حقیقت است، و به همین دلیل هم محاکمه می شود باید آن را برای همه روایت کرد.

گرگ در مورد یورش سال ۲۰۰۸ در آرکانزاس صحبت می کند و می گوید که یورش مزبور، حمله ای به سبک رویداد واکو علیه این کلیسا بود؛ یورشی که او از رسانه های عمده مطالبی را درباره ی آن شنیده بود و به نظر میرسد چیزهای زیادی درباره ی آن می داند. از نظر گرگ قصد آنها این بود که مؤسسه ی مذهبی بسیار موفقی را که در شماری از ایالت‌های مختلف کلیساهای متعددی داشت به تعطیلی بکشاند و همچنین تونی را تحت پیگرد قرار دهند. روش آنها در انجام این کار حمله به کودکان این کلیسا بود. او مطالبی را که یک وبلاگ نویس در مورد این یورش بیان کرده بازگو می کند: زمانی که مقامات قضایی ایالتی و فدرال به کلیساهای تونی آلامو حمله ور شدند، بسیاری از رسانه های خبری، و شاید نه همه ی آنها، در تکسارکانای آرکانزاس حضور داشتند و اتفاقات را از نزدیک پیگیری می کردند، اما تا بعد از رخ دادن اتفاقات، مطالبی راجع به آن منتشر نکردند. پس همه ی آنها از وقوع این اتفاقات با خبر بودند. در ابتدا، این یورش برای ماه اکتبر برنامه ریزی شده بود، اما در نهایت در ماه سپتامبر اتفاق افتاد. در روز جمعه، یک روز پیش از حمله، شخصی در دفتر دادستانی ایالات متحده سهواً ایمیلی را درباره ی این اتفاق به ۵۰ خبرگزاری در سراسر ایالات متحده فرستاده بود. آن ایمیل چندین هفته پیش از برنامه ریزی تعیین شده برای این یورش فرستاده شده بود. گرگ معتقد است اتهام به تونی و محکوم کردن او پیش از اینکه فرصتی برای یک محاکمه عادلانه داشته باشد اتفاق افتاده بود.

یک وبلاگ نویس به نام فرانک لاکوود چنین گفت: «با برملا شدن شدن این راز، مسئولان اجرای قانون برنامه ی زمانی خود را تنظیم کردند. روزنامه ها میبایست تصمیم می‌گرفتند که داستان را در روز شنبه بگنجانند یا یک یا دو روز صبر کنند. درحالیکه بنا به گزارش ها کودکان در کلیسا بودند، و با وجود اتهاماتی دال بر کودک آزاری، همه ی سازمانهای خبری ایالت تا قبل از به وقوع پیوستن حمله ی پلیس دواطلبانه از نوشتن در مورد آن خودداری ورزیدند.» آنها رسانه ها را در این مورد پر از خبر کردند؛ هیچکس نمی داند واقعاً چه میگذرد. رخ دادن چنین حمله ای به شیوه ی ضربتی محکومیتی فوری و زیان آور در پی دارد. او شرح می دهد که چگونه گروه ضربت با تفنگ و مسلسل وارد شد، و همه ی کودکان را در حالی که در حیات بازی می کردند ترسانند، و سعی کرد تونی را دستگیر کند درحالیکه تونی حتی آنجا نبود، و در آن زمان در لس آنجلس بود. هیچ مدرکی دال بر وجود اسلحه یا هر چیز دیگری در املاک کلیسا یافت نشد. کلیسای آلامو سازمانی صلح طلب است، و اگر آنها می خواستند تونی را بازداشت کنند، می توانستند به شیوه‌های صلح آمیز این کار را انجام بدهند، اما این ماجرا میبایست نمایشی رسانه ای می شد، تا تونی را قبل از محکمه ای عادلانه محکوم کنند. در آن روز شش کودک تحت قیمومیت ایالت درآمدند. روز بعد، خبر در تمام رسانه های عمده اعلام شد. یک انفجار خبری در سراسر کشور، و آقای آلامو از پیش محکوم شد. این داستان در برنامه ی پُرا وینفوری و نیز در برخی از بزرگترین شبکه های تبهکاری به نمایش درآمد.

گرگ ذکر می کند که از دیدگاه وکیل مدافع، آنها مدرک زیادی در اختیار ندارند و آنچه که دارند نیز میتواند شائبه دار باشد. این موردی سرنوشت ساز است تا به شما نشان بدهد که اگر مخالف کلیسای کاتولیک و واتیکان باشید آنها چه کاری میتوانند با شما انجام دهند. گرگ به ریاکاری ایالات متحده اشاره می کند، و به معیارهای دوگانه ی آن که به کلیساهای واتیکان علیرغم مدارک زیادی که در مورد اتفاقات رخ داده برای کودکان در مدارس [کلیسایی] کانادا، ایرلند، و شکنجه ها و سواستفاده ها در سراسر جهان وجود دارد، و ما هنوز اجازه ی فعالیت به این کلیسا می دهیم؟. آنها پول و قدرت و کنترل دولت ما را در دست دارند و بنابراین میتوانند از اتهام کودک آزاری بگریزند. اگر شما صدایی به رسایی صدای آلامو داشته باشید، آنها میتوانند با همان اتهاماتی که به خودشان وارد است و با استفاده از رسانه، اف. بی. آی، اجرای قانون، و رشوه، و نیز با مجبور کردن افرادی که اتهامات دروغین وارد میکنند و سپس آنها را پس میگیرند تحت پیگرد قرارتان بدهند. او به پرونده ی حقوقی در ماه مارس و قضاوت نیم میلیارد دلاری اشاره می کند.

گرگ وضعیت تونی را به عنوان پیرمردی ۷۹ ساله و نابینا که در زندان به سر می برد شرح می دهد. سپس او آنچه را که تونی از زندان گفته بود بازگو می کند: برای تقریباً ۵۰ سال، سعی کرده اند مرا کنار بگذارند. نخست ما را متهم به کمونیست بودن کردند، آزارمان دادند و ما و اعضایمان را بیرحمانه زندانی کردند تا ما را به تعطیلی بکشاند و همسرم سوزان و مرا از موعظه ی حقیقت در مورد کلام یهوه بازدارند. سپس ما را شبیه به مورد واکو جلوه دادند و متهمان کردند که فرقه ای خطرناک و تروریست هایی مسلح هستیم. سپس متهم به کودک آزاری شدم که سرانجام بازپرس بخش قضایی لس آنجلس مرا از این اتهامات تبرئه کرد. سپس متهم شدم که یک قاضی فدرال را تهدید به ربودن کرده ام. هیئت منصفه مرا بیگناه تشخیص داد. سپس آی. آر. اس (دایره ای دولتی که به مسائل مربوط به مالیات بر درآمد و مالیات خانگی رسیدگی می کند) مورد استفاده قرار گرفت تا پرونده ای کذب از عدم پرداخت مالیات بر درآمدی که هیچگاه وجود خارجی نداشت خلق کند. وکیل، جف دیکستین، یک معترض مالیاتی، در موقعیتی قرار داده شد تا یا به من خیانت کند و یا خودش به زندان برود. به شش سال زندان محکوم شدم، و به خاطر رفتار شایسته، پس از چهار سال در سال ۱۹۹۸ آزاد شدم. اف. بی. آی بدون توقف به بازجویی از من ادامه داد. سرانجام، در سال ۲۰۰۸، آنها چند شاهد کذب یافتند که کلیسا را چند سال قبل ترک کرده و برای همکاری با آنها موافقت کرده بودند. پیشنهاد غرامت و پول در این پرونده ی حقوقی بسیار فریبنده بود. پرونده ی حقوقی مزبور از همان پنج شاهد و یک شاهد ششم، و همچنین یک عضو سابق کلیسا که در دادگاه جنایی حضور یافته بود استفاده کرد تا پرونده را به سود خود تقویت کند. اما در این مقطع زمانی در پرونده ی حقوقی مزبور، او [خانم عضو سابق کلیسا] میخواست پاداش مالی دریافت کند بنابراین اتهامی جدید آفرید که [به طور اجباری] در حال آماده شدن برای ازدواج و همسر شدن بود اما از مهلکه گریخت. این شاهد هفتم تا ژوئن ۲۰۱۰ عضو کلیسا بود و میدانست که من بیگناهم و پس از دادگاه از من حمایت می کرد. سپس او در ماه ژوئن کلیسا را ترک کرد. تا ماه آگوست، او برای پول به پرونده حقوقی پیوسته بود. پرونده ی حقوقی در دادگاه فدرال بود، اما کمی مانده به دادگاه، قاضی سرانجام قرار ارائه ی حکم برائت را که در پرونده قرار گرفته بود صادر کرد و تمام اتهامات فدرال رفع شدند. بنابراین پرونده بسته شد و سپس دوباره در دادگاه ایالتی آرکانزاس به اجرا گذاشته شد. قاضی اجازه داد تمام اتهاماتی که شاهد هفتم وارد ساخته بود در دادگاه ایالتی دوباره مطرح شوند. پولی نداشتیم که بخواهیم از ابتدا مبارزه کنیم، بنابراین بدون هیچ گونه اقدامی پرونده را باختیم.

گرگ اظهار میدارد که آنها تونی و کلیسا را از جایی مورد حمله قرار دادند که بیشترین صدمه را وارد می کند: کودکان. آنها تمام کلیساهای او را برای سایر کودکانی که در حمله ی نخست گرفتار نشده بودند جستجو کردند. او حمله ی نخست را با صد افسر پلیس، گروه ضربت، و چگونگی ربودن شش دختر از روی تابها را تشریح می کند. هیچ رابطه ی ناشایستی بین دخترها و تونی به اثبات نرسید. آنها دخترها را درحالیکه آوازهای کلیسایی می خواندند در یک واگن انتقال دادند. او مصاحبه های پزشکی قانونی را که روز بعد با دختران انجام شد تشریح می کند و اینکه چگونه هیچ چیز دستگیرشان نشد، و چگونه آنها یکی از دخترهایی که خواهر فرد بالغی بود که در آنجا زندگی میکرد، اما هنوز از استرداد دختر به والدینش امتناع می ورزیدند. دی. اچ. اس. (دایره ی امنیت ملی) شش دختر را علیرغم اینکه هیچ مشکلی در آنها نیافته بودند نگاه داشت، و قاضی برای همه ی کودکانی که در کلیساهای آلامو در سرتاسر ایالات متحده بودند حکم جمع آوری صادر کرد. اعضای کلیساها به همراه کودکانشان پا به فرار گذاشتند تا از این حکم بگریزند — راهی فوق

العاده برای انحلال کلیسا. او اشاره می کند که چگونه دو ون حامل دخترها در آزادراه متوقف شدند. آنها نوزدان و کودکان را گرفتند و هرگز بازپس ندادند. گرگ این عمل را کودک ربایی نامید. او تکرار می کند که آنها هیچگونه صدمه ای را در هیچکدام از کودکان کشف نکردند، و آنچنانکه امیدوار بودند، هیچ چیز علیه تونی یافت نشد که بتوانند در این پرونده از آن استفاده کنند. آنها میدانستند که این راه نابود کردن سراسر کلیسای [تونی آلامو] است. گرگ سپس می پرسد که آیا آمریکا کشوری گشتاپویی است. گرگ می گوید این کار انجام شد تا این کلیسا تعطیل شود، تا تونی را از صحبت کردن علیه واتیکان بازدارند، و همه ی املاک و پولهای تونی را از او بگیرند. گرگ می پرسد، «چرا آنها همه ی پول واتیکان را برای آنچه که انجام داده است نمی گیرند؟» دادگاهی در این رابطه تشکیل شد و آنها گفتند، «واتیکان در آمریکا تجارتی انجام نمی دهد.» آنها سعی کردند کلیسای آلامو را با پراکنده کردن افرادی که ادبیات را حروفچینی، چاپ و توزیع می کردند و هر هفته به شهرهای سرتاسر ایالات متحده می بردند، و توزیع و ارسال می کردند نابود کنند. گرگ ادبیات را به عنوان آنچه که تونی در برنامه ی خود در موردش حرف میزند قلمداد نمود، نفوذ واتیکان بر آزادی مذهبی و دولتمان، و متقاعد کردن همه در باور به اینکه آنها تنها کلیسای حقیقی هستند. چنانچه کلیسای شیطانی وجود داشته باشد، همان واتیکان است. گرگ بیان داشت که والدین حق این انتخاب ظالمانه را داشتند که یا کلیسا را ترک کنند یا کودکان و حق حضانت خود را از دست بدهند. نابودی کودکان و والدین وصف ملایمی از اوضاع آنان است. سپس کودکان کاملاً شستشوی مغزی داده شدند تا در مقابل والدینشان موضع خصمانه بگیرند، و از آنها و کلیسای که زمانی عاشقش بودند متنفر بشوند.

سؤالی که تونی از سلول زندانش می پرسد این است: «هنگامی که شواهد تکان دهنده ای از کودک آزاری در فرقه ی کاتولیک وجود دارد، چرا کودکان از رفتن به مدارس، کلیساها، یتیمخانه ها، صومعه ها و غیره آنها باز داشته نمی شوند؟» چرا والدین کاتولیک که کودکان خود را روزانه به این کلیسای کودک آزار باز می گردانند حق حضانتشان فسخ نمی شود و کودکانشان از آنها گرفته نمی شوند؟ گرگ داستان چگونگی مرگ مادرش از بیماری سرطان خون را زمانی که برادر زودرسش شش ماهه بود و پدرش تعداد زیادی صورتحساب برای پرداخت داشت را بیان کرد. یتیمخانه ای کاتولیک در نزدیکی جایی که آنها زندگی می کردند وجود داشت که اینگونه کودکان را نگهداری می کردند.

کشیشی به خانه ی او آمد، اما به جای پیشنهاد کمک به پدر گرگ، قصد داشت کودکان را از پدر او بگیرد و در یتیمخانه کاتولیک قرار بدهد. پدر او گریبان کشیش را گرفت و او را به دیوار چسباند، به او ناسزا گفت، و او را از پله ها پایین انداخت. گرگ گفت، «من همین حس را نسبت به واتیکان دارم. به آنها تیپا بزنید و از خانه هایتان بیرونشان کنید. این کاری است که پدرم انجام داد، و ما سلامت و خوشحال بزرگ شدیم، و برادرم هم اکنون تاجری بسیار موفق است.» پدر او قسم خورد که هیچگاه دیگر پا در کلیسای کاتولیک نگذارد، و هرگز این کار را انجام نداد. و او هیچگاه برادرش را به مدرسه ای کاتولیکی نفرستاد. پدرش از گرگ خواست تا به او اجازه بدهد تا او را از مدرسه کاتولیکی بیرون بیاورد، اما گرگ به او التماس کرد تا به او اجازه ی ماندن بدهد چراکه دوستان او آنجا بودند و او تازه مادرش را از دست داده بود.

در نیمه ی دوم، گرگ به زندانهایی که تونی در آنها بوده اشاره می کند و اینکه چطور همه ی ارتباطات بررسی می شوند و ملاقاتها چطور اجرا می شوند؛ هیچ چیز خصوصی وجود ندارد. دولت به «شبکه ی آگاهی کلیسای شیطانی» بیش از ۵۰۰۰ دلار برای بازپرسی هر کدام از سه شاهد مخالف تونی در مکانی دورافتاده به نام «ولسپرینگ ریتیریت» به مدت ۲ هفته فشرده پرداخت کرد. دولت هزینه ی سفر رفت و برگشت آنها و ۱۵۰۰ دلار برای نگهداری فرزند یکی از شاهدان به هنگامی که مادرش در حال گذراندن دوره مشاوره ای بود پرداخت کرد. آنها تحت این عنوان به شاهدان پول دادند که آنها به هنگام مشاوره نمی توانستند کار کنند و صورت حساب هایشان را مانند بیمه ی ماشین و غیره پرداخت کنند. ریاست پیشین ولسپرینگ، پال مارتین، شخصاً با شاهدین کار می کرد. این کار در دسامبر ۲۰۰۸ انجام شد، و بلافاصله پس از آن آقای مارتین به یک بیماری مبتلا گشت و معلوم شد که مبتلا به سرطان خون است و چند ماه بعد نیز درگذشت.

در گذشته، شهادت کسانی که در ولسپرینگ بازپرسی می شدند در دادگاه پذیرفته نمی شد. اما چنانچه هر کس از گروه وکلای مدافع حتی با یک شاهد صحبت بکند، امکان دارد متهم به رشوه دادن به یک شاهد بشود. در عین حال دولت میتواند شهادتش را

به این مکان بفرستد تا آنها را بازپروری کند. افراد ممکن است بیطرف داخل شوند و بسیار خصمانه بیرون بیایند. این نکته ی مهم در این پرونده است.

او گفت دوروتی کیوری اظهار داشت که برنامه «اسرار حل نشده» دروغ گفته است و اینکه تونی آلامو دختر کوچک او را آزار نداده است. این در سال ۱۹۹۱ و در زمانی بود که آنها تلاش می کردند تا همان کار را با تونی انجام بدهند، البته بدون موفقیت. گرگ بخشی از گفته ی دوروتی را در نوشته خواند، جایی که او اتهام گریفین را مبنی بر اینکه تونی کارِ اِسا را آزار داده بود رد می کند. گرگ مقاله ای را که در «خبرنامه ی میسیون پروتستان» ایالت بریتیش کلمبیا چاپ شده بود قرائت کرد که شرح میداد چگونه برادرانی از کلیسای [تونی آلامو] به کانادا رفتند و به هنگامی که پاپ ژان پل دوم قرار بود از آنجا دیدار به عمل بیاورد ادبیات انجیلی را در آنجا پخش کردند. روزی که پاپ به کانادا رسید، برادرها بازداشت شدند. هیچ اتهامی زده نشد، هیچ دلیلی ارائه نشد، اما آنها تا روزی که پاپ کانادا را ترک کرد در زندان نگه داشته شدند و سپس بدون توضیح یا عذرخواهی آزاد شدند. گرگ ادامه می دهد و از قول نویسنده ی مقاله بیان می کند که او می داند که توزیع نوشته های افشاکننده درباره ی کلیسای کاتولیک روم دلیل واقعی دوباره به زندان افتادن تونی آلامو است. مقامات سعی میکنند شاهدان دروغین دست و پا کنند. اگر مقامات تا این حد نگران سؤاستفاده جنسی و فیزیکی از کودکان هستند، چطور است که تمام مؤسسات کلیسای کاتولیک روم را تعطیل نمی کنند، آیا این یک حقیقت ثابت شده نیست که هزاران کودک (گرگ به این رقم صدها هزار و میلیونها را طی سالیان اضافه می کند) توسط کشیشان مجرد مورد تعرض جنسی و جسمی، و شکنجه قرار گرفته اند و حتی کشته شده اند؟ او می پرسد، «چند مرتبه شنیده اید یک کشیش که توسط یکی از قربانیانش متهم به سؤاستفاده جنسی و تجاوز شده است، منتظر اجرای عدالت باشد، جز اینکه بفهمید چنین منحرفی به صومعه و یا کلیسایی دیگر منتقل شده است تا باز هم بتواند به سؤاستفاده در مکانی دیگر ادامه بدهد؟» عدالت کجاست؟ چطور والدین کاتولیک که پیشاپیش می دانند کشیشان به همه ی کودکان تجاوز میکنند به فرستادن کودکان خود به نزد این کودک آزاران منحرف جنسی ادامه می دهند؟ مهر طبیعی آنها کجاست؟ آیا این غفلت ورزیدن نیست؟ آنها در مورد کودک آزاری جنسی می دانند و هر روز در روزنامه ها در این رابطه مطلب می خوانند. چرا مقامات در مورد چنین حلقه ی عظیمی از کودکآزاری جنسی کودکان نگران نیستند؟ معیاری دوگانه وجود دارد، یکی برای کلیسای رم، و یکی برای باقی جهان مانند داستان تونی آلامو.

گرگ مقاله ای را می خواند، به قلم فردی به نام شین که در سال ۲۰۰۹ نوشته شده است و او دی. اچ. اس (دایره ی امنیت ملی) را دایره ی رنج بشری می خواند. او گفت که دی. اچ. اس ۳۵ کودک را ربود، تونی آلامو را زندانی کرد، و با انجام این کار، به واقع در حال به محاکمه کشاندن انجیل است. کلیسای آلامو فرقه ای شیطنانی نیست، بلکه انجمنی مسیحی و معتقد به انجیل است که در موعظه ی انجیل در سراسر جهان فعال می باشد. دلیل غیرموجهی که قاضی برای گرفتن این کودکان از والدینشان ارائه داد این بود که آنها واکسیناسیون نشده و به عنوان کودکانی که تحت آموزش خانگی هستند ثبت دولتی نشده بودند. گرگ سپس اشاره می کند که آنها میتوانند ویروس ابولا (Ebola) را در واکسن قرار بدهند، بنابراین از آنها و واکسنهای آنفولانزا دور بمانید. او می گوید آنها برخی از این وب سایتهای ضد واکسیناسیون را بسته اند. شین می گوید که حقیقت راستینی که در ورای این کودک رایبها وجود دارد این است که کلیساهای آلامو در مورد «سرّ بابل عظیم و مادر فواحش و خبثت دنیا» (مکاشفه، باب ۱۷ آیهی ۵) موعظه می کند. گرگ می گوید تنها دلیلی که آنها تونی را زندانی کرده اند این است که او بسیار موفق است. کلیسای او بسیار، بسیار محبوب است، و او پیامش را به هزاران و صدها هزار نفر از مردم رسانده است. اگر او در خانه اش می نشست و با جمعیتی ۲۰ نفره سخن می گفت، آنها هیچ وقت آزارش نمیدادند، اما آنها نمیخواهند اسرارشان در ملاء عام برملا شود و به همین خاطر است که چنین چیزی برای تونی اتفاق افتاده است. تنها راه حل باور نکردن آنچه است که از طریق رسانه های عمده در مورد این داستان می شنوید چراکه آنها در مورد اجبار به کار رفته چیزی نگفته اند؛ آنها در مورد بسیاری چیزهای دیگر به شما چیزی نگفته اند. آنها او را محکوم کرده و این داستان را تنها از دیدگاه دادستانی بیان نمودند، و هرکسی که آن را شنید می گفت، «او باید گناهکار باشد.» این شیوه ای است که دولت، واتیکان، و رسانه ها با یکدیگر کار میکنند.